

تفکر و اندیشه



۱

بخش اول

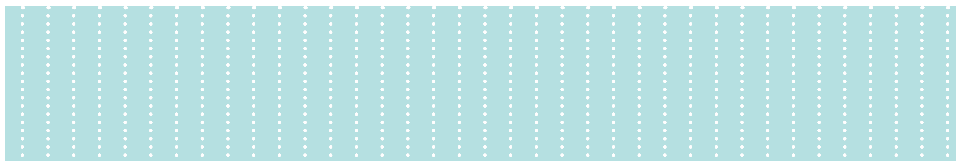
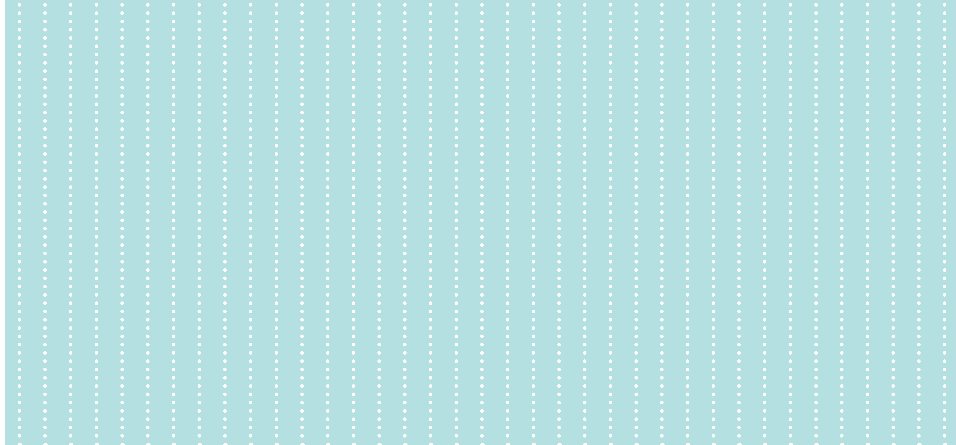


اندیشه مانند بذری است که در ذهن جوانه می‌زند، در دل و قلب ریشه می‌دواند و برگ و بار آن به صورت اعمال ظاهر می‌گردد.

اندیشه، بهار جوانی را پرطراوت و زیبا می‌سازد، استعدادها را شکوفا می‌کند و امید به آینده‌ای زیباتر را نوید می‌بخشد. علاوه بر آن می‌تواند برترین عبادت‌ها باشد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَفِي قُدْرَتِهِ
برترین عبادت، اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست.

این بخش از کتاب به همین عبادت پرداخته است: اندیشه درباره خدا



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِیْزُ
 الْحَكِیْمُ ﴿۱﴾ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ يُحِیْی وَ
 یُمِیْتُ وَ هُوَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ ﴿۲﴾ هُوَ الْاَوَّلُ
 وَ الْاٰخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمٌ
 ﴿۳﴾ هُوَ الَّذِیْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ فِی سِتَّةِ اَیَّامٍ
 ثُمَّ اسْتَوٰی اَعْلٰی الْعَرْشِ عِ عَلَّمَ مَا یَلِیْجُ فِی الْاَرْضِ وَ
 مَا یَخْرُجُ مِنْهَا وَ مَا یَنْزِلُ مِنَ السَّمٰءِ وَ مَا یَعْرُجُ فِیْهَا وَ
 هُوَ مَعَكُمْ اَیْنَ مَا كُنْتُمْ وَ اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِیْرٌ ﴿۴﴾ لَهُ
 مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ اِلٰی اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُوْرُ ﴿۵﴾
 یُوَلِّجُ اللَّیْلَ فِی النَّهَارِ وَ یُوَلِّجُ النَّهَارَ فِی اللَّیْلِ وَ هُوَ
 عَلِیْمٌ بِذٰتِ الصُّدُوْرِ ﴿۶﴾ اٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَ رَسُوْلِهِ وَ اَنْفَقُوْا
 مِمَّا جَعَلَكُمْ مُّسْتَخْلَفِیْنَ فِیْهِ فَالَّذِیْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَ
 اَنْفَقُوْا لَهُمْ اَجْرٌ كَبِیْرٌ ﴿۷﴾ وَ مَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ
 وَ الرَّسُوْلُ یَدْعُوْكُمْ لِتُؤْمِنُوْا بِرَبِّكُمْ وَ قَدْ اَخَذَ مِیْثَاقَكُمْ
 اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِیْنَ ﴿۸﴾ هُوَ الَّذِیْ یُنَزِّلُ عَلٰی عَبْدِهِ اٰیٰتِ
 بَیِّنٰتٍ لِّیُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلٰی النُّوْرِ وَ اِنَّ اللّٰهَ
 بِكُمْ لَرَءُوْفٌ رَّحِیْمٌ ﴿۹﴾

آنچه در آسمان‌ها و زمین است، خدا را به پاکی می‌ستایند و اوست پیروزمند حکیم. ^۱
مالکیت (و فرمانروایی مطلق) آسمان‌ها و زمین از آن اوست؛ زنده می‌کند و می‌میراند
و او بر هر چیزی تواناست. ^۲

اوست اوّل و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیزی داناست. ^۳
او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش هنگام آفرید آنگاه بر عرش استیلا
یافت. آنچه را در زمین فرو می‌رود، و آنچه را از آن خارج می‌شود و آنچه از آسمان
نازل می‌گردد و آنچه به آسمان بالا می‌رود [همه را] می‌داند. و هر کجا باشید او با
شماست و خدا نسبت به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. ^۴

مالکیت [و فرمانروایی مطلق] آسمان‌ها و زمین از آن اوست و [همه] کارها به سوی
خدا بازگردانده می‌شود. ^۵

شب را در روز داخل می‌کند و روز را [نیز] در شب فرو می‌برد و او به راز دل‌ها
داناست. ^۶

به خدا و پیامبر او ایمان آورید و از آنچه شما را در [استفاده از] آن، جانشین
[دیگران] کرده، انفاق کنید. پس کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کنند، پاداش
بزرگی خواهند داشت. ^۷

و شما را چه شده که به خدا ایمان نمی‌آورید در حالی که پیامبر شما را دعوت می‌کند
تا به پروردگارتان ایمان آورید، و مسلماً [خدا] از شما [به وسیله انبیاء و درک
عقلتان] پیمان گرفته، اگر ایمان دارید. ^۸

او کسی است که بر بنده خود [محمد ﷺ] آیات روشنی فرو می‌فرستد، تا شما را
از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون کشاند. و به راستی، خدا [نسبت] به شما سخت
رؤوف و مهربان است. ^۹



دست‌اول

هستی بخش



آیا تاکنون برایتان پیش آمده است که در فضایی آرام نشسته و به دور از هیجان و هیاهوی زندگی دربارهٔ این جهان پر جنب و جوش تفکر کرده باشید؟ تفکر دربارهٔ جهان دوردست؛ یعنی آسمان بی کران با کهکشان‌ها، منظومه‌ها، خورشید و سیارگان؛ و تفکر دربارهٔ همین جهان نزدیک، یعنی زمین با جنگل‌ها، دریاها، بیابان‌ها، جانوران، گیاهان و گل‌های زیبایش.

آیا هرگز دربارهٔ آغاز و پایان این هستی پهناور فکر کرده‌اید؟ به راستی این میلیاردها میلیارد کهکشان و ستاره و سیاره، با میلیاردها موجود متنوع از کجا آمده‌اند؟ موجودات جهان، هستی خود را وامدار چه کسی هستند؟!

نیازمندی جهان به خدا در پیدایش

هر کدام از ما، براساس فطرت خویش، خدا را می‌یابیم و حضورش را درک می‌کنیم. به روشنی می‌دانیم در جهانی زندگی می‌کنیم که آفریننده‌ای حکیم آن را هدایت و پشتیبانی می‌کند و به موجودات و مخلوقات مدد می‌رساند. با وجود این شناخت اولیه، قرآن کریم ما را به معرفت عمیق‌تر دربارهٔ خداوند فرا می‌خواند و راه‌های گوناگونی را برای درک وجود او و نیز شناخت صفات و افعال او به ما نشان می‌دهد. یکی از این راه‌ها تفکر دربارهٔ نیازمند بودن جهان، در پیدایش خود، به آفریننده و خالق است. بیان این راه به شرح زیر است:



* اگر به خود نظر کنیم، خود را پدیده‌ای می‌یابیم که وجود و هستی‌مان از خودمان نیست. در اشیای پیرامون نیز که تأمل کنیم، آنها را همین‌گونه می‌بینیم؛ حیوانات، نباتات، جمادات، زمین، ستاره‌ها و کهکشان‌ها، همه را، پدیده‌هایی می‌یابیم که وجودشان از خودشان نبوده و نیست.

* پدیده‌ها، که وجودشان از خودشان نیست، برای موجود شدن نیازمند به پدیدآورنده‌ای هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد؛ همان‌طور که چیزهایی که شیرین نیستند، برای شیرین شدن نیازمند به چیزی هستند که خودش شیرین باشد. عبدالرحمان جامی این معنا را در دو بیت چنین بیان می‌کند:

ذاتِ نایافته از هستی، بخش
چون تواند که بود هستی بخش^۱
خشک ابری که بود ز آب تهی
ناید از وی صفت آب‌دهی^۲

آری در آفرینش نیز، یک موجود فقط در صورتی در وجود خود نیازمند به دیگری نیست که خودش ذاتاً موجود باشد. در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدیدآورنده نخواهد داشت؛ همواره بوده است و همواره خواهد بود.

با توجه به دو مقدمهٔ فوق می‌توانیم نتیجه بگیریم که ما و همهٔ پدیده‌های جهان، در پدیدآمدن و هست شدن خود به آفریننده‌ای نیازمندیم که خودش پدیده نباشد و سرچشمه هستی باشد. این موجود برتر و متعالی «خدا» نامیده می‌شود.

۱- «بخش» در مصرع اول به معنای بهره و سهم است و در مصرع دوم به معنای عطا کردن.

۲- جامی، هفت اورنگ، سبحة‌الابرار، بخش ۱۹.

در دو مقدمه و یک نتیجه بنویسید که ما و جهان و همهی پدیده ها در پیدایش به خداوند نیازمندیم؟

خلاصه صفحه قبل

تفکر در متن

توضیحات صفحه قبل را به صورت یک استدلال، به طور خلاصه بنویسید.

مقدمه اول: ما و این جهان پدیده ایم.

مقدمه دوم: موجوداتی که پدیده هستند وجودشان از خودشان نیست و

برای موجود شدن نیازمند پدید آورنده اند

نتیجه: پس پدید آورنده نباید پدیده باشد و نیازمند و سرچشمه هستی باشد که این وجود خداست

تدبر در قرآن (۱)

در آیه شریفه زیر تدبر کنید و به سؤال طرح شده پاسخ دهید.

ای مردم

يَا أَيُّهَا النَّاسُ

شما به خداوند نیازمند هستید

أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ

و خدا است که [تنها] بی نیاز ستوده است.

وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

۱- نیاز انسان به خدا شامل چه چیزهایی می شود؟

۲- چرا خداوند می تواند نیاز انسان و هر موجود دیگری را برطرف کند؟

پاسخ سؤالات شما (۱)

برخی می پرسند: چرا موجودات این جهان باید به آفریننده نیاز داشته باشند اما خود آفریننده

به خالق نیاز نداشته باشد؟!

در پاسخ می گوئیم: اگر با دقت بیشتر استدلال بیان شده در صفحه قبل را مرور کنیم، متوجه

می شویم که جایی برای طرح این سؤال باقی نمی ماند. آن استدلال نمی گوید که «هر موجودی»

به آفریننده نیاز دارد. بلی، اگر کسی این را بگوید باید نتیجه بگیرد که خدا هم به آفریننده نیازمند

است. نتیجه چنین فکری این است که هیچ چیزی وجود پیدا نکند. زیرا هر موجودی را که ما

فرض کنیم، باید قبل از آن موجودی باشد تا آن را پدید آورد و این سلسله تا بی نهایت پیش خواهد

رفت و هیچ گاه هیچ موجودی پدید نخواهد آمد.

به عنوان مثال، در یک عدد ساعت، ممکن است ده ها چرخ دنده وجود داشته باشد که

هر یک باعث حرکت دیگری می شود. چرخ دنده اول، چرخ دنده دوم را می چرخاند و چرخ دنده

دوم چرخ دنده سوم را و... اگر به حرکت این چرخ دنده ها دقت کنید متوجه خواهید شد که

۱- سورة فاطر، آیه ۱۵.

موتور درون ساعت علت اصلی حرکت این چرخ‌دنده‌هاست که آن موتور برای حرکت خودش، نیاز به هیچ چرخ‌دنده‌ای ندارد. حال فرض کنید تعداد این چرخ‌دنده‌ها بی‌نهایت است و همگی در حال چرخیدن هستند. آیا امکان دارد که زنجیره این چرخ‌دنده‌ها به هیچ موتوری که حرکت‌دهندهٔ چرخ‌دنده‌ها باشد، نرسد؟

چنین چیزی غیرممکن است؛ یعنی امکان ندارد که بی‌نهایت چرخ‌دنده در حال چرخیدن باشند ولی هیچ محرک (موتور) مستقل و بی‌نیازی سبب ایجاد حرکت در آنها نباشد. این همان مفهوم «تسلسل علت‌ها» است، یعنی اینکه سلسلهٔ علت و معلول‌ها تا بی‌نهایت ادامه یابد و به علتی نخستین ختم نشود، و این مطلب از نظر عقلی محال است.

با توجه به این نکته، عقل انسان نمی‌گوید که هر موجودی به آفریننده نیاز دارد، همان‌طور که نمی‌گوید تمام چیزهای شیرین، حتی شکر و قند، نیازمند به یک شیرین‌کننده هستند، بلکه ذهن ما اگر موجودی را ببیند که قبلاً نبوده و بعد پدید آمده، در اینجا می‌گوید «پدیده» نمی‌تواند خود به خود پدید آید و حتماً آفریننده‌ای آن را پدید آورده است.

همان‌طور که ذهن ما نمی‌پذیرد که یک پدیده بدون پدیدآورنده باشد همان‌طور هم، برعکس، نمی‌پذیرد وجودی که ذاتاً موجود است نیازی به پدیدآورنده داشته باشد.

نیازمندی جهان به خدا در بقا

شما حتماً نام مسجد گوهرشاد را که در جوار حرم مطهر امام هشتم (علیه السلام) است، شنیده‌اید. شاید بارها آن را دیده و در آن نماز خوانده‌اید. این مسجد یکی از شاهکارهای هنر ایرانی بازممانده از دورهٔ تیموریان است و جاذبهٔ زیادی برای گردشگران و زائران دارد. این مسجد باشکوه همچنان باقی است، اما از معمار و بنا و کارگرانی که آن را با عشق و هنر بنا کرده‌اند خبری نیست. آیا رابطهٔ جهان با خدا نیز مانند بنا با مسجد است؟

اگر اندکی دقت کنیم، درمی‌یابیم که یک تفاوت بنیادین میان این دو رابطه وجود دارد. مسجد گوهرشاد از مصالح ساختمانی مانند خاک و سنگ و گچ و چوب و کاشی و... تشکیل شده که هیچ کدام از آنها را بنا به وجود نیآورده است. هریک از این مصالح نیز خواصی دارند که بنا آن را ایجاد نمی‌کند. بنا نه چسبندگی گچ را ایجاد می‌کند و نه سختی و استحکام سنگ را؛ به عبارت دیگر بنا نه اجزای ساختمان را پدید آورده و نه خواص آن اجزا را. کار بنا فقط جابه‌جا کردن مواد و چینش آنها است. اما خداوند، خالق سنگ و گچ و چوب، و خواص آنها و حتی خالق خود بنا است. بر این اساس

وجود و هستی بنا و نیز وجود مصالح و خواص آنها، همه وابسته به خداست و خداوند هر لحظه اراده کند، آنها از بین می‌روند و ساختمان متلاشی می‌گردد. به همین جهت، جهان همواره و در هر «آن» به خداوند نیازمند است و این نیاز هیچ‌گاه قطع و یا کم نمی‌شود.

در مقام مثال می‌توان گفت که رابطه خداوند با جهان، تا حدی شبیه رابطه مولد برق با جریان برق است؛ همین که مولد متوقف شود جریان برق هم قطع می‌گردد و لامپ‌های متصل به آن نیز خاموش می‌شوند. بنابراین، مسجد با ساخته شدن، از بنا بی‌نیاز می‌شود اما موجودات چنین نیستند و پس از پیدایش نیز همچنان، مانند لحظه نخست خلق شدن، به خداوند نیازمند هستند. از این رو دائماً با زبان حال، به پیشگاه الهی عرض نیاز می‌کنند.

زبان حال موجودات را مولوی این‌گونه بیان می‌کند :

| | |
|---------------------------------------|---|
| ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست | ما چو نایم و نوا در ما ز توست |
| تا که ما باشیم با تو در میان | ما که باشیم ای تو ما را جانِ جان |
| تو وجود مطلق، فانی نما | ما عدم‌هاییم و هستی‌های ما |
| حمله‌مان از باد باشد دم به دم | ما همه شیران ولی شیرِ عَلم ^۱ |
| هستی ما جمله از ایجاد توست | باد ما و بود ما از داد توست |
| عاشق خود کرده بودی نیست را | لذت هستی نمودی نیست را |
| لطف تو ناگفته ما می‌شنود ^۲ | ما نبودیم و تقاضایمان نبود |

تدبیر در قرآن (۲)

در آیه زیر تدبیر کنید و به سؤالات پاسخ دهید.

هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، پیوسته از او درخواست می‌کند.

يَسْأَلُهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

او همواره دست اندرکار امری است

كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ^۳

- ۱- چرا موجودات پیوسته از خداوند درخواست دارند؟ چون همیشه به خداوند نیازمندند
- ۲- چرا خداوند هر لحظه دست‌اندرکار امری است؟

۱- عَلم: پرچم؛ در اینجا مولوی انسان‌ها را به شیرهایی تشبیه کرده که بر روی پرچم‌ها نقاشی شده‌اند و بر اثر وزش باد تکان می‌خورند.

۲- مثنوی، مولوی، دفتر اول (با اندکی تلخیص)

۳- سوره رحمان، آیه ۲۹.

انسان های آگاه و ناآگاه در مورد نیاز خود به خدا چگونه می اندیشند؟

ثمرهٔ درک نیازمندی به خدای بی نیاز

انسان های ناآگاه نسبت به نیاز دائمی انسان به خداوند، بی توجه اند؛ اما انسان های آگاه دائماً سایهٔ لطف و رحمت خدا را احساس می کنند و خود را نیازمند عنایات پیوستهٔ او می دانند. هرچه معرفت انسان به خود و رابطه اش با خدا بیشتر شود، نیاز به او را بیشتر احساس و عجز و بندگی خود را بیشتر ابراز می کند.

افزایش خودشناسی ← درک بیشتر فقر و نیاز ← افزایش عبودیت و بندگی

برای همین است که پیامبر گرامی ما، با آن مقام و منزلت خود در پیشگاه الهی، عاجزانه از خداوند می خواهد که برای یک لحظه هم، لطف و رحمت خاصش را از او نگیرد و او را به حال خود واگذار نکند؟ زیرا انسان ها در همهٔ کارها به خداوند نیازمندند

اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا؛ خدایا مرا چشم به هم زدنی به خودم وامگذار!

نور هستی

قرآن کریم، رابطهٔ میان خداوند و جهان هستی را با کلمه‌ای بیان می کند که در نظر اول برای ما شگفت انگیز می نماید. اما پس از تفکر دقیق به معنای آن پی می بریم؛ قرآن کریم می فرماید:

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...^۱ خداوند نور آسمان ها و زمین است...

ما با نور خورشید، نور لامپ و انواع نورهای دیگر آشنا هستیم و می دانیم که خداوند از نورهایی نیست که از اجسام ناشی می شوند، یعنی منشأ مادی دارند. پس، نور بودن خداوند به چه معناست؟ نور آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر نیز می شود. نورهای معمولی هم این خاصیت را دارند که خودشان آشکار هستند و سبب آشکار شدن اشیای دیگر هم می شوند.

با توجه به آیه نور بودن خداوند به چه معناست؟

خداوند نور هستی است. یعنی تمام موجودات، «وجود» خود را از او می گیرند و به سبب او پیدا و آشکار شده و یا به عرصهٔ هستی می گذارند. در واقع، هر موجودی در حد خودش تجلی بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است. از همین رو آنان که به دقت و تأمل در جهان هستی می نگرند، در هر چیزی خدا را مشاهده می کنند و علم و قدرت او را می بینند.

به هر چیزی که دید، اول خدا دید^۲

دلی کز معرفت نور و صفا دید

۱- تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۷۴.

۲- سورهٔ نور، آیهٔ ۳۵.

۳- گلشن راز، شیخ محمود شبستری.

و به تعبیر بابا طاهر :

به دریا بنگرم دریا تو بینم
نشان از قامت رعنا تو بینم

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم
به هر جا بنگرم کوه و در و دشت

تفکر در حدیث

پیام: منظور این است که هر موجودی وجود و هستی خود را از خداوند میگیرد و با تفکر در این موجودات از اثر پی به موثر میبریم

ما رَأَيْتُ شَيْئًا
إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ
قَبْلَهُ وَ بَعْدَهُ وَ مَعَهُ ۲
هیچ چیزی را ندیدم
مگر اینکه خداوند را
قبل و بعد و با آن دیدم

به نظر شما پیام این حدیث چیست؟ مقصود امیر المؤمنین علیه السلام از اینکه می فرماید قبل و بعد و همراه هر چیزی خدا را دیدم چه می باشد؟

اینکه انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند، معرفتی عمیق و والاست که در نگاه نخست مشکل به نظر می آید، اما هدفی قابل دسترس است، به خصوص برای جوانان و نوجوانان که پاکی و صفای قلب دارند. اگر قدم بیش گذاریم و با عزم و تصمیم قوی حرکت کنیم، به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد و لذت چنین معرفتی را به ما خواهد چشاند.

ناتوانی انسان در شناخت ذات و چیستی خداوند

اکنون ممکن است برای شما این سؤال پیش آید که آیا می توان به ذات خداوند پی برد و چیستی او را مشخص کرد؟

در پاسخ می گوئیم : موضوعاتی که می خواهیم درباره آنها شناخت پیدا کنیم دو دسته اند :

دسته اول موضوعاتی هستند که در محدوده شناخت ما قرار می گیرند، مانند گیاهان، حیوانها، ستارگان و کهکشانها؛ حتی کهکشانهای بسیار بسیار دور هم ممکن است روزی مورد شناسایی واقع شوند و انسان بتواند ماهیت و ذات آنها را شناسایی کند. در حقیقت، ذهن ما توان و گنجایش فهم چیستی و ذات چنین موضوعاتی را دارد، زیرا همه آنها اموری محدود هستند.

۱- بابا طاهر، دو بیتی شماره ۱۶۲.

۲- علم الیقین، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۱، ص ۴۹.

دسته دوم موضوعاتی هستند که نامحدودند و ذهن ما گنجایش درک آنها را ندارد؛ زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است. در واقع، ما به دلیل محدود بودن ذهن خود نمی‌توانیم ذات امور نامحدود را تصور کنیم و چگونگی وجودشان را دریابیم. خداوند حقیقتی نامحدود دارد؛ در نتیجه، ذهن ما نمی‌تواند به حقیقت او احاطه پیدا کند و ذاتش را شناسایی نماید. بنابراین، با اینکه ما به وجود خداوند به عنوان آفریدگار جهان پی می‌بریم و صفات و اسماء او را می‌توانیم بشناسیم، اما نمی‌توانیم ذات و چستی او را دریابیم؛ از همین رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ

وَلَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ

در همه چیز تفکر کنید

ولی در ذات خداوند تفکر نکنید.

دانش تکمیلی

اگر می‌خواهید در موارد زیر اطلاعات بیشتری به دست آورید، به وبگاه گروه قرآن و معارف اسلامی دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری به آدرس زیر مراجعه کنید:

http://quran_dept.talif.sch.ir

۱- آشنایی با دلایلی درباره وجود خداوند

۲- پاسخ به این پرسش که: آیا نظریه داروین می‌تواند به مباحث خداشناسی لطمه‌ای بزند؟

پاسخ سؤالات شما (۲)

چگونه می‌توان خدا را دید؟

رؤیت خداوند با چشم غیرممکن است. زیرا چشم ساختار مادی و جسمانی دارد و فقط از اشیا می‌تواند عکس برداری کند؛ آن‌هم اشیایی که طیف نوری قابل درک برای چشم را منعکس کنند. مثلاً چشم ما نورهای مادون قرمز و ماورای بنفش را هم درک نمی‌کند. بنابراین، چشم حتی توانایی دیدن همه اشیا مادی را هم ندارد، چه برسد به موجودات غیرمادی (مانند فرشتگان) و از این بالاتر به وجود مقدس خداوند که هیچ شکل و تصویری و هیچ طول و عرض و ارتفاعی ندارد. بنابراین، خداوند را نه تنها در این دنیا نمی‌توان با چشم مادی دید، بلکه در آخرت نیز نمی‌توان او را با این چشم مشاهده کرد.

۱- نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، مترجم و گردآورنده: ابوالقاسم پاینده، ص ۳۸۹.

اما نوعی از دیدن وجود دارد که نه تنها امکان پذیر است، بلکه از برترین هدف‌های زندگی است و هر کس باید برای رسیدن به چنین دیدنی تلاش کند. این مرتبه، دیدن به وسیلهٔ «قلب» و ملاقات با خداست.

وین عجب‌تر که من از وی دورم
در کنار من و من مهجورم

دوست نزدیک‌تر از من به من است
چه کنم با که توان گفت که دوست

اندیشه و تحقیق



با وجود شباهت‌های ظاهری رابطهٔ خدا و جهان با رابطهٔ ساعت‌ساز و ساعت، تفاوت‌های این دو رابطه را بنویسید.